

**Validation of the defensive realism approach in Qaem Maqam Farahani's
foreign policy**

Hossein Karimi Fard¹

(DOI): [10.22034/MTE.2023.12590.1692](https://doi.org/10.22034/MTE.2023.12590.1692)

Abstract

Original Article
P 7 - 29

Due to the military and security nature of the world system in the Qajar era and the defeat of Iran from Russia, the realist view of politics and power was strengthened among the executive and intellectual elites. He became like Abbas Mirza and Ghaem Magham Farahani. On the other hand, referring to historical texts and examining the Ghaem Magham Farahani' vision, thoughts and political behavior shows that he was a thinker and one of the founders of reform, development and one of the pioneers of modern political vision in the field of thought and action in contemporary Iran. It has introduced new and new political concepts such as power, the relationship between the monarchy and the government, military power and politics. Threats in the border areas, especially the escalation of insecurity on the northern, northwestern and southeastern borders of Iran. This article tries to examine the deputy's policy in the theoretical framework of political realism by referring to historical data and descriptive-analytical method. The question of this article is: Which of the political theories can better explain the Ghaem Magham Farahani political behavior and insight? The hypothesis is: due to the prominence of power-oriented components, rationalism and calculation, providing security and utilitarianism, rebuilding and strengthening military power, defensive realism has the ability to better explain the foreign policy considered by the Ghaem Magham Farahani.

Key words: National power, national interest,, foreign policy, defensive realism, Ghaem Magham Farahani

¹ - Associate Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Ahvaz Branch, Iran, hkarimifard19@gmail.com

Received: 2021/04/02 | Revised: March 19, 2023| Accepted: 2021/11/23



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

اعتبار سنجی رویکرد واقع گرایی تدافعی در سیاست خارجی قایم مقام فراهانی

حسین کریمی فرد^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2023.12590.1692](https://doi.org/10.22034/MTE.2023.12590.1692)

علمی - پژوهشی

ص: ۲۹/۷

چکیده

با مراجعه به متون و اسناد تاریخی می‌توان شاخصه‌ها و مولفه‌های سیاست خارجی مد نظر میرزا ابوالقاسم فراهانی را استخراج کرد و در راستای تئوریزه کردن سیاست خارجی ایران گام برداشت. هدف قایم مقام فراهانی، در سیاست، بازسازی منابع قدرت ایران برای تامین امنیت نسبی ایران، مقابله با نفوذ قدرت‌های بزرگ، حفظ تمامیت ارضی ایران، رفع تهدیدات در مناطق مرزی به‌خصوص تشدید ناامنی در مرزهای شمالی، شمال غربی و جنوب شرق ایران بود. در این مقاله تلاش می‌شود با استناد به داده‌های تاریخی و روش توصیفی - تحلیلی سیاست خارجی مدنظر قایم مقام در چارچوب نظری واقع‌گرایی سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. سوال این مقاله عبارتست از: سیاست خارجی مدنظر قایم مقام فراهانی، متأثر از چه مولفه‌ها و شاخص‌هایی است؟ این شاخص‌ها با کدام نظریه‌ی سیاسی سنخیت دارد؟ فرضیه‌ی این تحقیق، عبارتست از: با توجه به برجستگی مولفه‌های قدرت محوری، عقلانیت‌گرایی و محاسبه‌گرایی، تامین امنیت و منفعت‌گرایی، بازسازی و تقویت قدرت نظامی، واقع‌گرایی تدافعی قابلیت تبیین بهتر سیاست خارجی مدنظر قایم مقام را دارد.

کلید واژگان: قدرت ملی، صلاح ملی، قایم مقام، سیاست خارجی، واقع‌گرایی تدافعی.

۱ - دانش‌یار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، ایران hkarimifard19@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶



مقدمه

قایم مقام (۱۱۹۳-۱۲۵۱ ق) پسر میرزا عیسی ملقب به میرزای بزرگ (۱۱۶۷-۱۲۳۷ ق) بود، که پس از مرگ پدر به مقام و منصب وی در دستگاه عباس میرزا (۱۲۴۹-۱۲۰۳ ق) رسید. با مرگ عباس میرزا و انتخاب محمد میرزا به ولایت عهدی، فتح‌علی شاه (۱۱۸۵-۱۲۵۰ ق)، محمد میرزا (۱۲۶۴-۱۲۲۲ ق) را به صاحب اختیاری آذربایجان فرستاد و ابوالقاسم قایم مقام را به وزارت خاص او و پیش‌کاری آذربایجان منصوب کرد. پدرش میرزای بزرگ در ابتدا وزیر نایب السلطنه، عباس میرزا بود و در تبریز پیش‌کاری می‌کرد. از آنجایی که خود را قایم صدارت کبری، قرار داد، از این‌رو، حسب الاستدعا (بر طبق خواهش و درخواست)، وزارت و پیش‌کاری نایب السلطنه عباس میرزا را به فرزند بزرگ خود میرزا حسن، واگذار کرد، عمر میرزا حسن تمام شد و قبل از پدر وفات کرد. از این‌رو، میرزای بزرگ قایم مقام بزرگ، وزارت و پیش‌کاری نایب السلطنه عباس میرزا را برای فرزند دیگر، میرزا ابوالقاسم گرفت و در تبریز مشغول کارگزاری شد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۱۲۰)

قایم مقام، از سیاست‌مداران موثر و تاثیرگذار در یکی از حساس‌ترین مقطع تاریخ ایران معاصر محسوب می‌شود. به سبب حضور وی در میدان‌های جنگ روسیه، عثمانی و خراسان و تجربه موفقیت‌آمیز او در مذاکرات سیاسی در راستای حفظ منافع ملی با عثمانی و مقابله با نفوذ انگلیس و روسیه در ایران موفقیت‌آمیز عمل کرده است. در این دوران تلاش سیاسی او معطوف به تأمین منافع ملی، استقلال سیاسی و حفظ تمامیت ارضی بود. در عرصه سیاست خارجی معیار و ملاک جهت‌گیری سیاست خارجی را صلاح ملی می‌دانست و بدترین حالت را زمانی می‌دانست، که تعارض منافع بین صلاح ملی و منفعت سیاست‌مدار، وجود داشته باشد. از دیدگاه او «سیاست‌مدار با نام یا ننگ و یا با هر وسیله‌ای حتی با قدرت میرزایی باید از صلاح ملی دفاع نماید.» (قایم مقامی، ۱۳۵۹: ۶۸)

اندیشه سیاسی قایم مقام، در عرصه‌ی سیاست داخلی کنترل و مهار رقیبان سیاسی عباس میرزا و به‌خصوص، محمدشاه (دوره سلطنت ۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق)، تمرکز قدرت در دربار و نوسازی نیروی نظامی ایران برای افزایش قدرت کشور و در عرصه سیاست خارجی تلاش در راستای دفع تهدیدات خارجی و محافظت از تمامیت ارضی کشور بود. به‌عبارتی، هدف اصلی قایم مقام حفظ تمامیت ارضی و افزایش امنیت نسبی بود و بازسازی نیروی نظامی در راستای افزایش امنیت کشور، دنبال می‌شد.

در این مقاله، تلاش می‌شود، با استناد به داده‌های تاریخی و روش توصیفی - تحلیلی و جوه واقع‌گرایانه سیاست خارجی مدنظر با مولفه‌های کلیدی و اساسی نظریه واقع‌گرایی سیاسی مورد تبیین و بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از این است، که رگه‌هایی از اندیشه

واقع‌گرایی تدافعی را می‌توان در رفتار و بینش سیاسی قایم مقام فراهانی یافت.
۱. پیشینه‌ی پژوهشی

بهرام فلسفی، در کتاب «قایم مقام در آینه‌ی زمان» به شکل توصیفی به بررسی و تبیین زندگی سیاسی قایم مقام پرداخته است. مباحث این کتاب، ماهیتی تاریخی دارد و حوادث تاریخی مهم و نقش قایم مقام را در دوره‌ی قاجار مورد بررسی قرار داده است. سید جواد طباطبایی نیز، در جلد دوم نظریه‌ی حکومت قانون در ایران و بخش نخست مکتب تبریز و مبانی تجدد خواهی به بررسی اندیشه‌ی سیاسی قایم مقام، پرداخته است. از دیدگاه او قایم مقام معتقد بود؛ که شاه باید سلطنت کند و نه حکومت. طباطبایی هم‌چنین با استخراج گزاره‌هایی از گفته‌ها و نوشته‌ی قایم مقام، با توجه به اندیشه‌ی سیاسی مدرن تحلیل کرده است. سید حامد اکبری یاسوج مقاله‌ای با عنوان «خواست تعدیل قدرت در کردار سیاسی نخبگان سیاسی پیشامشروطه نگاشته است. از دیدگاه نگارنده، قایم مقام، بخشی از هیات حاکمه قاجار محسوب می‌شد و از قدرتی چشم‌گیر برخوردار بود. به نحوی که با بعضی از کارهای شاهزاده مخالفت می‌کرد. قایم مقام خود را موظف می‌دانست تا کاستی‌ها و عیب‌های را بی‌هیچ پرده پوشی بر ملا سازد و در رفع آن‌ها بکوشد.

تفاوت مقاله‌ی حاضر، با این مقاله (مقابله‌ی سید حامد اکبری)، این است، که تفکرات اصلاح طلبانه نخبگان متعددی از جمله عباس میرزا، امیر کبیر و قایم مقام را در عرصه‌ی قدرت سیاسی و نظام اداری بررسی کرده است؛ اما سیاست خارجی مورد بحث نویسنده قرار نگرفته است. مرتضی دهقان‌نژاد نیز، در مقاله‌ی «مساله جانشینی، بی‌اعتمادی سیاسی و بازتاب آن در نهاد وزارت در دوره‌ی قاجار» به این نتیجه رسیده است، که مساله جانشینی و دخالت وزیران مطرح قاجار باعث سوظن و بدگمانی شاهان قاجار به وزیران خویش و هراس آنان به از دست رفتن جایگاه خود می‌شد و همین امر باعث وزیر کشی در دوره‌ی قاجار شد. موضوع محوری این مقاله نیز بی‌اعتمادی در فرهنگ سیاسی نخبگان اجرایی ایرانی است و به سیاست خارجی توجه نمی‌کند. محمدرضا عسکرانی نیز، در مقاله‌ی «تحلیل مولفه‌های تاریخی آثار میرزا ابوالقاسم قایم مقام فراهانی» نیز در صدد نشان دادن جنبه‌هایی از اندیشه باستان‌گرایانه اوست. از دیدگاه این نویسنده، قایم مقام از نخستین پارسی‌گویان دوران معاصر است، که اندیشه‌های باستان‌گرایی را می‌توان در آثارش به‌خوبی دید.

۲. چارچوب نظری: واقع‌گرایی تدافعی

واقع‌گرایی،^۱ سنتی است، که «ساخته شده» به این معنا که نظریه پردازان معاصر برای توجیه و توضیح فرمول‌های خود، تاریخی از این سنت را چنان بر ساخته‌اند، که گویی واقع‌گرایی یک کلیت یک‌پارچه و بدون تناقض است. حال آن‌که واقع‌گرایی یک مکتب فکری مشخص نیست. بی‌تردید واقع‌گرایی سنتی کاملاً یک‌پارچه نیست و تفاوت‌های درونی فراوانی میان کسانی که به عنوان واقع‌گرایی می‌شناسیم وجود دارد. در نتیجه از دیدگاه‌های مختلف، واقع‌گرایی به اشکال مختلف تقسیم شده است. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۷۳) واقع‌گرایی که گاه به صورت مکتب اندیشه سیاست قدرت از آن یاد می‌شود، از رویکردهایی است، که برای مدت طولانی به عنوان پارادایم مسلط در مطالعه سیاست بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. (قوام، ۱۳۸۴: ۷۹) در مقابل نظریه‌ی رئالیسم؛ نظریه‌هایی مثل لیبرالیسم و سازه‌گرایی قرار می‌گیرد. هر چند لیبرالیسم بر عوامل مادی نظیر قدرت و ثروت تأکید دارد؛ اما با خوش بینی معتقد است، که اخلاق، حقوق و نهادهای بین‌المللی برای جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح کفایت می‌کند. حال آن‌که به گواهی تاریخ، حاکم بودن این تفکر، باعث می‌شود، تمامیت ارضی و استقلال کشورها به خطر بیفتد. در مقابل سازه‌نگاری نیز بر نقش ایده‌ها و هویت‌ها متمرکز می‌شوند و به جای آن‌که دولت و تلاش آن برای بقا مفروض گرفته شود، منافع و هویت دولت‌ها به عنوان محصول قابل انعطافی از روندهای تاریخی خاص، در نظر گرفته می‌شود. این نظریه تأکید افراطی بر ابعاد غیرمادی قدرت دارد و ابعاد مادی و فیزیکی قدرت مثل قدرت نظامی، ثروت، ژئوپلیتیک را در نظر نمی‌گیرد. از دیدگاه نگارنده، نظریه‌ی رئالیسم، می‌تواند، نسبت به سایر نظریه‌ها، سیاست خارجی قایم مقام را بهتر، تبیین نماید.

واقع‌گرایان در عرصه‌ی سیاست خارجی به دنبال توضیح روابط بین‌الملل بر اساس فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل هستند. بنابراین، واقع‌گرایان ساختاری در ارزیابی خود از میزان قدرتی که دولت‌ها در این شرایط نیاز دارند، متفاوت هستند. به همین دلیل، واقع‌گرایی اغلب به دو شاخه فرعی تدافعی،^۲ و تهاجمی،^۳ تقسیم می‌شود. واقع‌گرایان تدافعی، مدعی هستند، که دولت‌ها باید سطح مناسبی از قدرت را برای تامین امنیت ملی خود به دست آورند. با این حال، آن‌ها نباید قدرت نسبی

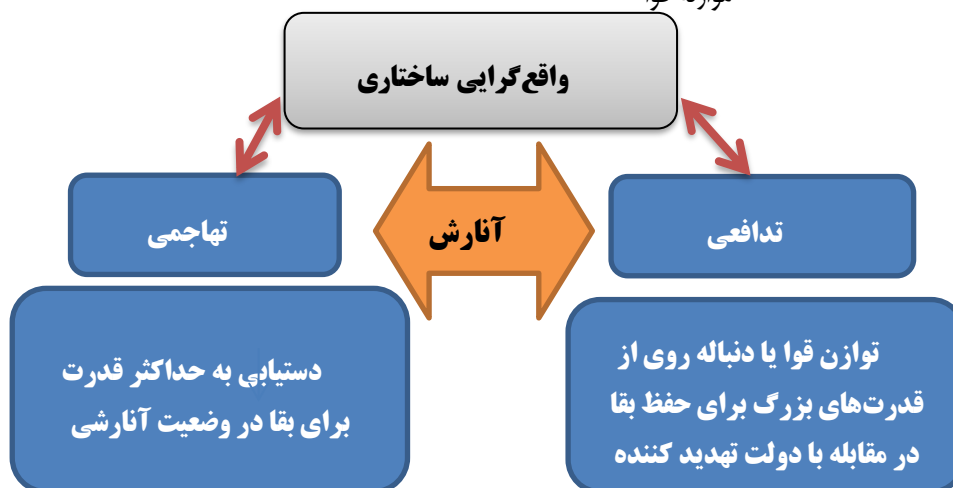
^۱ - Realism

^۲ - Defensive Realism

^۳ - Offensive Realism

خود را برای تبدیل شدن به هژمون، به حداکثر برسانند. چنین رفتاری باعث ترس و هراس دیگران می‌شود. در نتیجه مخالفان علیه قدرت هژمون اتحاد و ائتلاف تشکیل می‌دهند. در مقابل، واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند؛ که دولت‌ها باید قدرت نسبی خود را برای تبدیل شدن به هژمون به حداکثر برسانند. اصول اصلی واقع‌گرایی تدافعی را می‌توان به شکل ذیل خلاصه و ترسیم کرد:

- عقلانیت گرایی
- دولت محوری
- آنارشیک^۱ بودن سیاست بین‌الملل
- قدرت محوری، امنیت محوری و منفعت طلبی
- حفظ بقا
- موازنه قوا



در اندیشه سیاسی واقع‌گرایی تاکید بر کنش‌گری دولت‌ها به‌خصوص قدرت‌های اصلی می‌شود. درگیری بین قدرت‌های بزرگ رأس برنامه امنیت بین‌المللی است. معمای امنیتی در کانون واقع‌گرایی است و عدم اطمینان در مورد انگیزه‌های دیگر دولت‌ها جزء اساسی معضل امنیتی است. (Glaser, ۲۰۰۳: ۴۰۶) در شرایط آنارشی، بسیاری از ابزارهایی که یک دولت برای افزایش امنیت خود استفاده

۱ (Anarchic) فقدان اقتدار فائقه در نظام بین‌الملل

می‌کند، امنیت سایر کشورها را کاهش می‌دهد. این معضل امنیتی باعث می‌شود که دولت‌ها نگران نیات آینده و قدرت نسبی یکدیگر باشند. (Taliaferro 2001: 129)

واقع‌گرایانی، مانند کنت والتز،^۱ استفان والت^۲ و رابرت جرویس،^۳ استدلال می‌کنند؛ که اگرچه عوامل سیستماتیک تعیین‌کننده رفتار دولت‌ها هستند؛ اما دولت‌ها نمی‌توانند، اقدامات کنش‌گران دیگر، را از قبل برآورد کنند. بنابراین، تلاش دولت‌ها برای به حداکثر رساندن قدرت، آن‌ها را به تضاد می‌کشاند. اگرچه این اندیشمندان اهمیت قدرت را قبول دارند، اما ادعا می‌کنند، که دولت‌ها امنیت خود را از طریق توازن قدرت حفظ می‌کنند. (Lobell, 2002: 166)

واقع‌گرایان تدافعی، بر این باورند، که دولت‌ها باید برای بقای خود در برابر یک تهدید کننده موازنه یا دنباله روی را اتخاذ نمایند.. (Mammadova: 2017) دولت‌ها در صدد حفاظت از خود در شرایط آنارشی هستند. (Waltz, 1979:188) در شرایط آنارشی، امنیت مهم‌ترین هدف دولت تلقی می‌شود. هنگامی که بقای دولت‌ها تضمین شده باشد، دستیابی به سایر اهداف مثل منفعت و قدرت امکان پذیر هست. اولین هدف دولت‌ها حفظ موقعیت آن‌ها در سیستم بین‌الملل است. (همان، ۱۲۶) از دیدگاه واقع‌گرایان، آنارشی بین‌المللی خوش‌خیم تلقی می‌شود. آنارشی بین‌المللی اغلب خوش‌خیم است، امنیت کمیاب نیست، بلکه به حد وفور است و دولت معمولی می‌تواند آن را درک کند یا آن را در طول زمان از طریق تجربه یاد بگیرد. در جهان واقع‌گرایان تدافعی، دولت‌ها بازیگرانی عقلانی هستند، که از طریق «موازنه قوا» علیه تهدیدات خارجی واکنش نشان می‌دهند، تا در مقابل تهدید کنندگان بایستند. (Rose, 1998: 144 – 172)

۳. بینش و رویکرد سیاسی قایم مقام فراهانی

قایم مقام فراهانی، از سیاست‌مداران بزرگ دوره‌ی قاجار محسوب می‌شود. «قایم مقام مردی بینا و مغرور، با هوش و صاحب فکر و عزم ثابت و خلاصه یک سیاست‌مدار مطلع بود. در اسناد مختلف تاریخی از منش و روحیه خاص قایم مقام و خصوصیات شخصیت او روایت‌های مختلفی مطرح شده است. به همین دلیل عده‌ای به تعریف، تمجید و مدح او پرداخته و عده‌ای دیگر به توهین، انتقادات تند و سعايت او پرداخته اند.

1- Kenneth Waltz

2 -Stephan Walt

3 - Rabert Jervis

بارون فیودور کورف^۱ از اعضای سفارت روسیه، در ایران قضاوتی بدبینانه‌ای نسبت به قایم مقام داشته است. «جاه طلبی و علاقه شدید به پول اندوزی بنیاد اخلاق او (قایم مقام) بود. او به تمام معنی این تمنیات را ارضا کرده بود، چون برجسته‌ترین چهره‌ی مملکت شده بود و بر اراده و میل شاه حاکم بود و به‌طوری که می‌گویند: درآمد سالیانه‌اش، تا چهار صد هزار سکه طلا می‌رسید» (فیودور کورف، ۱۳۷۲: ۱۵۴) «همه از قایم مقام نفرت داشتند و چون خیرش به احدی نمی‌رسید و مردم را غارت می‌کرد رشوه‌هایی که از هر سو می‌گرفت، به قدری زیاد است، که قلم از شرحش عاجز است.» (همان، ۱۵۵) «اسم قایم مقام برای تمام خاک ایران هیولای ترس شده است؛ اما نفوذ وی در محمدشاه که به اصطلاح آلت اجرای مقاصد وی بود، خیلی زیاد بود.» (همان، ۱۵۶) «او بر پادشاه خود یک خدمت‌گزار نبود، بلکه یک قیم واقعی و آقا بالاسر بود. خیلی‌ها بر طبق دلایلی که در اختیار داشتند، ظنین شده بودند که او قصد دارد سلسله شاهی فتح‌علی شاه (دوره سلطنت ۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ق) را سرنگون کرده، خود بر تخت بنشیند.» (همان، ۲۲۱) به نظر می‌رسد، ادبیات به کار گرفته شده، توسط کورف، نشان از کینه ورزی است و می‌خواهد قایم مقام را تهدیدی علیه شاه معرفی نماید.

ساموئل گرین ویلر بنجامین،^۲ (۱۹۱۴ - ۱۸۳۷ م) اولین سفیر و وزیر مختار آمریکا در دوره‌ی حکومتی ناصرالدین شاه بود. او آگاه به تاریخ و فرهنگ کشورهای مشرق زمین بود. در سفرنامه خود درباره قایم مقام چنین می‌گوید: «قایم مقام تنها یک شاعر و نویسنده نبود، بلکه سیاست‌مدار بزرگی به شمار می‌رفت که روش خاصی در اداره‌ی مملکت داشت و همه امور را با تدبیر سیاسی خاصی اداره می‌کرد و همین لیاقت و استعداد ذاتی بود، که محمدشاه را وحشت زده و نگران کرد، در حالی که نگرانی او کاملاً بی‌مورد بود.» (بنجامین، ۱۳۶۹: ۶۹) لازم به ذکر است، که این قضاوت بنجامین، دقیقاً نیم قرن بعد از مرگ قایم مقام فراهانی است.

افراد دیگر نیز، روحیه‌ی سخت‌گیرانه‌ی قایم مقام در امر حکمرانی را مورد تأیید قرار داده‌اند. رضا قلی میرزا، یکی شاهزادگان قاجار، در سفرنامه‌اش، می‌گوید: «از هنگام حرکت محمدشاه از آذربایجان تا پنج ماه توقف در دارالخلافه طهران، قایم مقام به اقتدار گذرانیده، به طریقی که احدی بدون اذن وی قدرت رفتن خدمت شاه را نداشته و محمدشاه بدون اذن او دیناری به کسی نداده، چنان‌چه اگر هم مایل به بخشش بود هر آینه موجب ملامت قایم مقام می‌گردید. در این موارد گرفت

^۱ - Korf Fedor Feodorovich

^۲ - Samuel Greene Wheeler Benjamin

و گیر قایم مقام از حد اعتدال گذشت، جمعی از دوستان به او گفتند: این قدر بر پادشاه تنگ گرفتن و قدغن کردن که هیچ کس نزد او رفت آمد نکند و پادشاه معاشرت با کسی ننماید، درست نیست، عاقبت به تو کم مرحمت خواهد شد. در جواب گفته بود؛ که این امور سلطنت را پادشاه درست مطلع نیست؛ چون که اول دولت است، می‌ترسم غافل شوم و غفلتی به هم رسد و کارهای پخته خام گردد.» (میرزا رضا قلی، ۱۳۴۶: ۳۲)

جیمز بیلی فریزر،^۱ (۱۷۸۳ - ۱۸۵۳ م) تاجر انگلیسی است، که به نقاط مختلف ایران سفر کرده است. فریزر، در باره‌ی قایم مقام قضاوتی دوگانه داشته است. «قایم مقام یک دیپلمات ایرانی است، تیزبین، محیل و دور اندیش.» (بیلی ۱۳۶۴: ۲۷۷) «قایم مقام» چون با رای صایب خود مملکت را نظم‌ی داده بود، غرور طبع بر او مستولی گردیده و بی‌اجازه از اعلیحضرت بعضی از تصرفات در امور کرد. فاضلی دانشمند، دبیری بی‌مانند و سرافراز بود غرور منصب و نخوت ریاست او را از مشاجره در امور و مراعات رای پادشاه باز داشته» (فلسفی، ۱۳۷۲: ۱۲۱) بود.

در این هنگام [وزارت] نیز، بنا بر عادت‌ی که داشت بر مراد خاطر پادشاه کم‌تر می‌رفت و اگر حکمی از پادشاه می‌رسید و آن را با صلاح دولت راست نمی‌دانست یا با طبع خویش موافق نمی‌یافت بی‌سوال و جواب بر خلاف آن حکم، فرمان می‌کرد. (سپهر، ۱۳۳۷: ۳۳۰) محمدشاه کاملاً تحت نظر قایم مقام خود، است. این وزیر فوق‌العاده، مدام مواظب شاه است و راضی نیست، کسی بدون اطلاع او به نزد شاه برود. مگر کسانی که خودش تعیین کرده باشد. (یک‌رنگیان، ۱۳۳۴: ۱۱۸)

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت: محدود کردن محمدشاه و در اختیار گرفتن سر رشته امور، توسط قایم مقام باعث بدبینی نسبت به او شد. «قایم مقام، در انجام مهم گستاخی را پیشه کرد و هر جا که رای محمدشاه را مخالف مصالح ملک می‌دید، بدون تأمل بر خلاف آن فرمان می‌داد و اراده‌ی شاه را ناچیز می‌شمرد.» (قایم مقامی، ۱۳۲۰: ۴۱) «رفتار قایم مقام با محمدشاه چه در دوره‌ی ولی‌عهدی او و چه در زمان سلطنتش بی‌مهابا بود.» (آدمیت ۱۳۶۲: ۱۲)

^۱ - James Baillie Fraser

۴. مولفه‌های واقع‌گرایانه سیاست خارجی قایم مقام

قایم مقام از نخستین سیاست‌مداران عصر قاجار بود که رویکردی عقلانیت‌گرا نسبت به مسایل سیاسی کشور داشت. از دیدگاه این سیاست‌مدار، منافع ملی مبنای تصمیم‌گیری در سیاست کشور تلقی می‌شود. در این قسمت مولفه‌های رفتار قایم مقام، طبق شاخص‌ها و گزاره‌های اصلی واقع‌گرایی سیاسی مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۴. حفظ تمامیت ارضی (حدود و ثغور کشور) و تاکید بر بقا (حفظ بیضه جهان اسلام)

از دیدگاه واقع‌گرایان بقا مهم‌ترین هدف کنش‌گران سیاسی محسوب می‌شود. دستیابی به سایر اهداف بدون بقا امکان‌پذیر نیست. سیاست‌مداران ایرانی در مقاطع مختلف تاریخی با ادبیات مختلف و با دلایل مختلف درصدد حفظ سیستم سیاسی و به عبارت بهتر، درصدد حفظ سرزمین ایران بودند. به دنبال سقوط نظام حکومتی ساسانیان و مسلمان شدن بسیاری از ایرانیان، ایران زمین هم به لحاظ جغرافیایی و هم به لحاظ سیاسی در دنیای اسلام مستحیل گردید؛ تا جایی که در سده‌های نخستین اسلامی آن‌چه برای اغلب ایرانیان مسلمان در کانون و مرکز اهمیت قرارداشت دیگر ایران نبود، بلکه اسلام بود. به این ترتیب تمامی تقدس، مرکزیت و بزرگی که روزگاری آنان برای ایران قایل بودند، اینک همه آن‌ها به اسلام منتقل شده بود. یکی از این نمودها این انتقال، انتقال مفهوم تقدس، میانه و اصل و اساس بودن ایرانویج (بیضه ایران) به اسلام بود. بدین ترتیب ایرانیان مسلمان با حفظ مفهوم ایرانویج، به جای ویج، بیضه و به جای ایران، اسلام را نهادند و چنین شد که «بیضه ایران» به «بیضه اسلام» تبدیل گشت. به نظر می‌رسد؛ بیضه اسلام بیش‌تر در میان ایرانیان رایج بوده و در میان دیگر ملل کاربرد نداشته است. (حاتمی و آقاجری، ۱۳۹۳: ۶۸)

ایران شیعی در دوره‌ی قاجار با دو تهدید سخت افزاری (جنگ‌های ایران و روس) و نرم افزاری (گرایش‌های صوفی و اخباری) مواجه شد. اصولیون برای مقابله با این تهدیدات و دفع خطر از جامعه مسلمانان، هم‌کاری با نهاد سلطنت را پذیرفتند. به عبارتی، طبق مقتضیات و مصلحت زمانه این امر صورت گرفت. واقعیت‌های سیاسی موجود باعث شد عالمان بنا بر مقتضیات و مصلحت زمانه راه‌کای واقع بینانه در پیش گیرند. نهاد سلطنت نیز ادعای حمایت و گسترش حمایت از مذهب تشیع در مقابل فرقه‌های انحرافی و دفع تهدید از جامعه مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی را مدنظر داشت. بنابراین، در این شرایط هم‌کاری و مساعدت دو نهاد عرفی (سلطنت) و شرعی (عالمان) شکل گرفت.

شیخ جعفر کاشف‌الغطا با نام کامل جعفر بن خضر بن یحیی جناجی حلی نجفی (۱۱۵۴ - ۱۲۲۸ ق) به عنوان بزرگ‌ترین عالم سیاسی آن عصر، «استیلای کلمه الکفر» و «ضعف کلمه

الاسلام» و دخول کفار به سرزمین‌های اسلامی را مصداق خوف بر بیضه اسلام دانسته است. اگر چنین وضعیتی برای جامعه اسلامی پیش آید، در صورت حضور امام یا نائب آن، دفاع از بیضه اسلام واجب است. در غیر این صورت «وجب علی کل بصیر صاحب رای و تدبیر، عالم بطریق السیاسه، عارف بدقائق الرئاسه» و در این صورت نیز مساعدت مردم امری واجب است و کسی که با او مخالفت کند، با عالمان مخالفت کرده و به همین نحو با امام، پیغمبر و خدا مخالفت کرده است. (کاشف الغطا، ۱۴۲۲ ق: ۳۲۲) به همین خاطر است، که کاشف الغطا علاوه بر مفهوم جغرافیایی اسلام، با توسیع مصادیق آن، شخص سلطان را نیز مصداق بیضه دانسته است.

میرزا ابوالقاسم فراهانی، در رساله جهادیه، جهاد را ابتدایی (دعوتی) و دفاعی تقسیم کرده است. جهاد دعوتی به زمان پیامبر و امام معصوم اختصاص دارد؛ اما نوع دوم برای حفظ بیضه اسلام، دفع تسلط کفار بر جان و مال و ناموس مسلمانان و اخراج کفار از سرزمین‌های اسلامی دلالت دارد. هم‌چنین او با توجه به فتاوی عالمان در باب جهاد با روسیه بر حفظ ثغور و مرزهای اسلامی و دفاع از مسلمانان تاکید می‌کند. (حسینی جلالی، ۱۳۸۲)

واقع‌گرایان هدف اولیه‌ی همه دولت‌ها را بقا و حیات کشور می‌دانند و بقای کشور را در حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور تعریف می‌کنند. «بعد از مرگ فتح‌علی شاه و آغاز سلطنت محمدشاه، انگلستان از ایجاد حکومت ملوک الطوائفی در ایران حمایت می‌کردند. فرزندان فتح‌علی شاه، که از زمان حیات تا هنگام مرگ او فرمانروایی ایالات و ولایات ایران را در دست داشتند، اکثراً نوای استقلال بلند کردند. ظل السلطان به نام عادل شاه، تهران به تخت نشست. حسین‌علی میرزا فرمان فرمای فارس در شیراز به نام حسین‌علی شاه، سکه زده خوزستان و فارس را مطالبه کرد. شجاع السلطنه فرمانروای کرمان به همدستی و یاری برادرش فرمان فرما به تجزیه کرمان تا قاننات بلند شد و ملک آراد در مازندران ادعای سلطنت کرد. بدین ترتیب انگلیسی‌ها مایل بودند که کشور ایران را ممالک ناتوان و دست نشانده کوچکی تجزیه کرده ایالات جنوب را تخت حکومت قطعی دست نشانندگان خویش درآورند.» (فلسفی، پیشین: ۱۳۵) در دوره‌ی زمام‌داری محمدشاه، قایم مقام سهمی مهم در استقرار امنیت و از میان برداشتن مدعیان سلطنت و حفظ وحدت و یک‌پارچگی مملکت موفقیت اعجاب‌انگیزی داشته و با توجه به شرایط و امکانات و مقتضیات وقت، به جرئت می‌توان گفت: در ایران هیچ صدر اعظمی در چنان مدت کوتاه به انجام چنان خدمات درخشانی نایل نشده است. کوشش قایم مقام برای حفظ وحدت ایران و منکوب کردن مدعیان سلطنت، بزرگ‌ترین خدمت سیاسی او بوده است. (صفایی، ۱۳۷۷: ۱۱۳)

کشور دیگری، که تلاش داشت، بعد از جنگ روسیه و ایران، قسمتی از خاک ایران را به سرزمین‌هایش اضافه نماید، عثمانی بود. بعد از انعقاد پیمان گلستان بین روسیه و ایران، تصور عثمانی بر این بود که ایران در وضعیت ضعف است مرتباً در مرزهای ایران به تجاوزاتی دست می‌زد و مزاحمت‌هایی را برای مردم ایجاد می‌کرد. این امر تا جایی ادامه یافت که عثمانی «چهریق از محال سلماس را ایران مطالبه کرد» (یک‌رنگیان، پیشین: ۸۴) عباس میرزا برای حل این مساله فرستاده‌ای را به عثمانی فرستاد؛ اما آن‌ها فرستاده ایران را دست‌گیر و زندانی کردند. قایم مقام ولی عهد را وادار می‌نماید برای ادب کردن ترک‌ها اقدام نماید و در صورت مسامحه عواقب شومی در انتظار ایران است. در جنگ بین عثمانی و ایران، دولت عثمانی شکست خورده و تقاضای صلح کرد و معاهده صلح به نفع ایران در ارزنه الروم بسته می‌شود. قایم مقام در فکر دفاع از تمامیت ارضی ایران و حفظ استقلال این مملکت بود و هم‌چنین در فکر الحاق مناطق جدا شده ایران بود. (میرزا رضا قلی، پیشین: ۱۰۰)

۲.۴. تاکید بر توان‌مندی‌ها و قابلیت‌های نظامی

واقع‌گراها موضوعات عرصه‌ی روابط بین‌الملل را دو سطح مهم و حساس (مسایل نظامی و امنیتی) و غیر حساس (فرهنگی، اجتماعی و...) تقسیم‌بندی می‌نمایند. طبق سیاست واقع‌گرایی دستیابی به توان‌مندی و قدرت نظامی هدف اصلی سیاست‌مداران محسوب می‌شود. قایم مقام فراهانی، با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران سیاست خارجی ایران را مبتنی بر منابع قدرت به‌خصوص، توان‌مندی نظامی می‌داند. «این ملک مختصر که از سه طرف بحر و بر با روم و روس مجاور است و جمع اوضاعش با دیگر، ممالک مغایر، مالک الملکی چنین باید رزم خواه باشد و نه بزم خواه، نام‌جو باشد نه کام‌جو، نای جنگش به کار آید نه نای و چنگ.» (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۷۰)

میرزا ابوالقاسم، در جنگ بر توان‌مندی‌ها و قابلیت‌های نظامی تاکید داشت. «امروز که دشمن از دو طرف به دو قلعه و از یک طرف رو به ولایت بی‌قلعه می‌آید دامن همت بر کمر بادی زد و از پول و قشون و توپ و تفنگ مضایقه نکرد و ایستاد و زد و خورد داد و به فضل خدا دشمن را از پیش در کرد و از هیچ لطمه و صدمه باک نکرد. یا اگر این طور ایستادگی در این قحطی و گرانی و بی‌استعدادی سپاه و سرخوردگی‌های پارسال ممکن نباشد، ناچار به صلحی باید تن در داد.» (قایم مقامی، ۱۳۵۷: ۲۵۱)

بر همین اساس بود که نخبگان اجرایی در ایران مانند عباس میرزا و قایم مقام تقویت و بازسازی قدرت نظامی را در دستور کار خود قرار دادند. عباس میرزا در تلاش بود که «روش‌های اروپایی را در ارتش ایران به کار گیرد عامل انتقال این اندیشه میرزای بزرگ و تقویت‌کننده آن ابوالقاسم قایم مقام بودند ضرورت مدرنیزه کردن ارتش ایران موجب شد که دولت حتی به سراغ دولت‌هایی که در مقیاس

بین‌المللی آن عهد، اهمیت درجه دوم و سوم را نداشتند برود که دولت‌های اتریش و ایتالیا از این گروه بودند.» (عسکرانی، ۱۳۹۷: ۱۳۳). از دیدگاه قایم مقام، عاملی که باعث می‌شود ایران تحت سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ قرار نگیرد تقویت قدرت نظامی است.

۳.۴. کسب قدرت

با توجه به این‌که اتخاذ سیاست خارجی منوط به کسب قدرت در ساختار سیاسی داخلی است، قایم مقام تلاش زیادی کرد، تا بتواند، محمدشاه را به در مقابل رقیبان سرسخت به قدرت برساند. به عبارتی، او نقش مهمی در به قدرت رساندن محمدشاه به سلطنت داشت. اعتمادالسلطنه در کتاب «خلسه» مشهور به خواب‌نامه به شکل ذیل این امر را توضیح می‌دهد «مدعیان ولی نعمت و ولی نعمت‌زاده خود را متقاعد کردم و گویی در آن میدان با چوگان بلاغت ربودم که رقیبانم، بلکه حبیبانم ساحر خواندند و در جادوگری من سخن‌ها راندند؛ مگر سحر جز این می‌کند که چند عشیره و فرزند بلاواسطه خاقان مغفور که هریک خود را از آحاد الوف می‌دانستند، از حق سلطنت خود دست کشیدند و چون پاشکستگان، هریک در گوشه‌ای خزیدند.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۶: ۲۷)

یکی از اصول اساسی نظریه واقع‌گرایی، کسب، حفظ و افزایش قدرت به هر وسیله‌ای است. قایم مقام بعد از مرگ عباس میرزا به هرکاری دست زد، تا قدرت به محمد شاه برسد. از پول قرض از انگلستان تا از بین بردن رقیبان محمدشاه و... بهره برد. به عبارتی، قایم مقام برای تحکیم قدرت محمدشاه از هیچ کاری دریغ نکرد. مثلاً زمانی که سخن و صحبت او با محمدشاه در دفع جهانگیر میرزا موثر نبود «حیله و بددلی» در پیش گرفت، تا بدان جایی که به پادشاه دریا دل گفتند؛ تا آن دو برادر به جهاند مرا آن جگر نیست که به عراق رویم؛ اما «پادشاه به گزند برادران تن نداد. آن ناسزاوار مرد دنیا دوست [قایم مقام] این راز با مهد علیا مادر پادشاه به میان نهاد. آن زن را سخت بترسانید. مادر با فرزند سخن گفت، تا پادشاه برآشفته و به وزیر خاین بفرمود: وزیر تویی هرچه کار ملک را واجب بود بگذار. قایم مقام به همین یک سخن اسماعیل قراجه داغی فراش‌باشی را بار و پیل فرستاد آن دو جوان را که هریک جهانی توانستندی به نظام داشتن نابینا کردند.» (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۴۱) «سبب اعظم سلطنت آقا محمدشاه غازی مرحوم قایم مقام بود که اگر مسامحه در کار می‌کرد با آن همه مدعیان، کار سلطنت به قسم دیگر می‌گذشت، ولی تدبیرات وافیه او و جد و جهد زیاد باعث نضج و قوام آن سلطنت شد.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۶: ۱۲۹)

۴.۴. تاکید بر دوراندیشی و حزم سیاسی

قایم مقام فراهانی، دوراندیشی و محاسبه‌گرایی را در حوزه سیاست خارجی مهم می‌دانست. او

بر همین اساس و مبنا با شروع جنگ دوم روسیه و ایران مخالفت کرد. از دیدگاه وی جنگیدن با کشوری که قدرت و توانمندی‌هایش بیش‌تر است معقول نیست. هم‌چنین او مبنا جهت‌گیری سیاست خارجی را «صلاح ملی» می‌دانست. از دیدگاه او سیاست‌مدار با نام یا ننگ و یا با هر وسیله‌ای (مردی یا نامردی) باید از صلاح ملی (منافع ملی) دفاع نماید. «افزونی سپاه روس و نظام و تدارک و استعدادی که بالفعل دارند با این سپاه کم و بی‌نظامی که در این دولت هست شاید با سلیقه ارباب حزم راست نیاید، اما [با] طریقه اصحاب عزم بسیار خوب راست می‌آید. خدای تعالی فرمود: «اذا عزمتم فتوکل علی الله» و باز فرمود: «من یتوکل علی الله فهو حسبه.» در این کار یزدان ما را یار بس. همیشه کارهای این صاحب کار را حق سبحانه و تعالی بی‌منت مخلوق انجام داده چه باک از این که سپاه آذربایجان و عراق بعد از صدمه پارسال هنوز به اوضاع و تدارک نیامده باشد یا سواره بی‌نظام یا پیاده نظام در میدان نتواند ایستاد. وقتی قبله عالم اروحنا فدا در جواب عرضی که ما به استدعای تدارک و اسباب کرده بودیم مقرر فرمودند، که اعتقاد تو به اسباب هست و اعتماد ما به مسبب الاسباب. عاقبت بر ما معلوم شد که هرچه اسباب از توپ‌خانه و قورخانه و قلعه و غیره فراهم کرده بودیم هیچ ثمر و ثمر نداشت و هرچه شد از فضل و رافت مسبب شد.» (قایم مقامی، ۱۳۵۹: ۶۸) قایم مقام بعد از ذکر این مطالب نکته مد نظر خود را مطرح می‌نماید که «شاید همین مقدمه باعث شود که اولیای دولت تغییر در وضع سپاه ایران بدهند و به این نکته ملتفت شوند، که هرگاه همین سپاهی که بی‌نظامند و مواجب می‌خورند اگر با نظام شوند در مواجب تفاوتی نخواهد شد و در خدمت تفاوت‌ها خواهد کرد. بدین‌گونه در نهایت زیرکی و تدبیر به شاه فهمانیده است نظام سپاهیان ایران، برای جنگ با روسیه آماده و مناسب نیست و تصمیم شاه مبنی بر جنگ و غلط و دور از منطق است.» (همان: ۲۹۱)

از ویژگی‌های میرزا ابوالقاسم «شکیبایی او در حل مشکلات بود. او هر جا که گریهی با دست باز می‌شد به دندان باز نمی‌کرد و در بسیار از موارد جلوی تصمیمات شتاب زده و خشم آلود عباس میرزا را می‌گرفت.» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۳۳) مثلاً از دلایل شکست ایران در نبرد اصلاندوز آن بود، که عباس میرزا هوس شکار کرد و اردوی سپاه ایران بدون سردار ماند. قایم مقام این مساله را به شکل ذیل بیان کرده است:

من بنده عیان گویمت این راز اگرچه چندی است که راز تو زمن بنده نهان است
وین خیل و سپاهی که ترا باشد [امروز] با طایف روس کجا تاب و توان است؟
امسال سه سال است که این خیل و حشم را نه جیره و نه جامه و نه مشق و نه سان است

امروز ترا دیدن سان لازم و واجب نه حسن فرامرز و جمال رمضان است
زان تیر و کمان گوی نه زان قامت و ابروی است. کاین راست چو تیر آمد و آن خم چو کمان
(قایم مقام، ۱۳۶۶: ۲۰)

۵.۴. عقلانیت گرایی

عقلانیت کانون هستی بخش و معنابخش واقع‌گرایی محسوب می‌شود. قایم مقام خرد و عقل را مبنای تصمیم‌گیری‌های در امر سیاسی می‌دانست. مورخان موارد متعددی را ذکر کردند که نشان از درایت و تدبیر مبتنی بر خرد این سیاست‌مدار بوده است.

یکی از مواردی که می‌توان آن را نماد عقلانیت در رفتار سیاسی قایم مقام دانست منطق و استدلال او در مخالفت با شروع مجدد جنگ روسیه و ایران بود. در زمانی که «فتح‌علی شاه به قصد برگرداندن قفقاز به ایران درصدد جنگ با روسیه بود. در محلی که کلیه علما و اعیان و سرداران و سران ایلات حضور داشتند در مورد اقدام به جنگ با آن‌ها مشورت کرد همگی که شاه را آماده کارزار می‌بیند موافقت خود را اعلام می‌دارند، هنگامی که شاه نظریه قایم مقام را می‌خواهد آن مرحوم بدو از اظهار عقیده خودداری کرده، ولی پس از اصرار شاه بر خلاف نظریه سایرین با مقایسه نیروی نظامی و جمعیت روسیه و ثروت آن کشور به‌خصوص نتایج حاصله از جنگ‌های ده ساله مبارزه با آن دولت را صلاح ندانسته و می‌گوید: با فرستادن نماینده‌ای می‌توان صلح را حفظ کرد و از تعدی و تجاوزات آن‌ها جلوگیری کرد.» (یکرنگیان، پیشین: ۱۱)

از دیدگاه قایم مقام، در صورتی سیاست جنگ طلبانه صحیح است، که توازن بین نیروها به نفع ایران باشد. در جلسه مذکور فتح‌علی شاه، امر کرد که حتماً قایم مقام نظر خود را بگوید. «آن وقت قایم مقام از شاه پرسید: مالیات دولت روس چه مبلغ است جواب داد: شش صد کرور. قایم مقام از مالیات ایران پرسید. گفتند: شش کرور. قایم مقام گفت: از روی حساب هم که باشد کسی که شش کرور سرمایه دارد با آن که دارای شش صد کرور است، نمی‌تواند جنگ کند و ناچار است، که از در صلح درآید و آتش فتنه را با آب تدبیر فرو نشاند.» (قایم مقامی، پیشین: ۲۳)

قایم مقام، از قدرت نظامی روسیه در قفقاز تحلیل درستی داشت، که نشان‌گر واقع‌بینی این رجل سیاسی از ثمره‌ی جنگ بود. قشون ایران که از سوی هیات نظامی انگلیس تجدید سازمان می‌یافت، آماده جنگ با روسیه نبود. «در پایان جنگ دوم روسیه و ایران، قایم مقام با واقع‌نگری در انعقاد پیمان با روسیه نقش اساسی ایفا کرد. در دور دوم جنگ‌های ایران و روس و شکست‌های سپاه ایران و تصرف تبریز به وسیله پاسکویچ نیز تلاش کرد با برقراری صلح از بروز آسیب‌های بیش‌تر جلوگیری کند. وی

عازم تهران شد، تا فتح علی شاه را از لجاجت بی نتیجه‌ای که بر تداوم جنگ داشت، باز دارد. «نواب نایب السلطنه جناب میرزا ابوالقاسم قایم مقام را به جهت اطفای نایره غضب شهر یاری فرستاد و مشارالیه بعد از ورود به زلال عرایض ضراعت آموذ، شعله قهر قهرمانی را تسکین داد.» تا از تکرار نابخردهایی که برای شروع جنگی نابرابر صورت گرفته بود، جلوگیری نماید.» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۹)

۶.۴. تاکید بر دستیابی به «صلاح دولت»

اندیشه‌ها و رفتار سیاسی قایم مقام فراهانی را می‌توان از نوشته‌های او تشخیص داد. او از مفاهیمی مثل «صلاح دولت» که اشاره به تامین منفعت ملی است، استفاده کرده است. از دیدگاه قایم مقام، به مردی یا نامردی متوسل شد، تا منافع ملی تامین شود.

از دیدگاه قایم مقام تنها فرستادگانی می‌توانند، نماینده «صلاح دولت» باشند که منافع خصوصی آنان عین مصالح عالی دولت متبوع باشد. در سیاست خارجی اصل رعایت صلاح دولت و پایداری برای تامین آن است. «ما همیشه صلاح کل را منظور می‌کنیم نه صلاح خود را. لکن ارباب ننگ و نام از هیچ چیز نباید بترسند، مگر از زیان عوام و ما اگر از این یک فقره احتیاط کنیم ننگ ما نخواهد بود.» (فرهاد میرزا، بی‌تا: ۱۱۲) از دیدگاه او «نماینده ایران باید خود را دست بسته نشان دهد، اما بداند دست او باز است. در سیاست خارجی واقع و نفس الامر، عین ظاهر امور نیست، آن قلمرو صلاح دولت است. ملاک تفکیک میان ننگ و نام صلاح دولت یا به تعبیری منافع ملی است. این دیدگاه قایم مقام او را به واقع‌گرایان نزدیک می‌کند.

شاهدی دیگر که می‌توان در تاکید قایم مقام، بر منفعت ملی ذکر کرد، مقابله با نفوذ انگلیس و روسیه در ایران به هر طریق بود. او در جواب کمبل،^۱ (۱۸۷۰-۱۷۷۹ م) که خواهان امتیازات کنسولی و بازرگانی مثل روسیه در ایران شده بود گفت: «تا به حال اجرای مواد عهدنامه ترکمنچای را در تاسیس قنصل‌خانه روس رد کرده‌ام تا آخر نیز به هر طریقی باشد، به مردی یا نامردی رد خواهم کرد. به همین لحاظ، چنین حقی را به هیچ دولت دیگری نمی‌دهم؛ زیرا برای ایران زیان‌بخش است.» (کمبل، ۱۳۸۴: ۱۸۱)

هم‌چنین مورد دیگری که می‌توان در مورد قدرت محوری قایم مقام ذکر کرد زمانی است، که قایم مقام میرزا محمدعلی آشتیانی را به‌عنوان نماینده ایران برای مصالحه به عثمانی فرستاد و از او خواست که «اگر خدا نخواسته، دست آن عالی‌جاه از دامن هر چاره و گریز کوتاه شود، تا این حد هم اذن و اجازت می‌دهیم که الفاظ مبهمه و فقرات ذواحتمالین، در فصلی که ذکر این مطلب است، به زور میرزایی و قوه انشایی، بگنجانند که راه سخن برای ما باقی بماند و این تصرف و تسلطی که الان داریم، سلب نشود و از

^۱ John Campbell

روی عهدنامه بحث بر ما وارد نیاید... و همین جاهاست که از دست دبیر و خامه تدبیر زیاده از هزار نیزه و شمشیر توقع خدمت می‌توان داشت.» (فرهاد میرزا، پیشین: ۱۳)

۷.۴. موازنه بین قدرت‌های بزرگ

جهت‌گیری سیاست خارجی قایم مقام، در قبال قدرت‌های بزرگ به‌خصوص، روسیه و انگلیس باید متن زمانی خاص خود مورد بررسی قرار گیرد. قایم مقام با توجه به حضور قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر مثل انگلیس و روسیه در همسایگی ایران، راهبرد موازنه را مدنظر قرار داشت. او در این مورد می‌گوید: «تاسیس قنصل‌خانه روسیه در گیلان موجب انهدام ایران به‌عنوان ملت خواهد گردید و هرکجا پای قنصل روس و انگلیس باز گردد، سلطه ایران را از بین می‌برد. نتیجه این‌که تجارت [با آنان] وسیله نابودی تدریجی این مملکت فقیر ناتوان می‌شود و عاقبتش اینست، که بین دو شیر قوی پنجه که چنگال خود را در کالبد آن فرو برده‌اند، تقسیم خواهد شد. ایران به‌عنوان یک ملت در زیر دندان یک شیر جان به سلامت نمی‌برد، چه رسد به این‌که دو شیر، در میان باشد.» (کمبل، پیشین: ۱۸۱)

میرزا ابوالقاسم قایم مقام، از رجالی بود که در جلسه مشورتی فتح‌علی شاه، با جنگ‌های دوره دوم ایران و روسیه تزاری مخالف بودند و دلیل شان هم این بود که کشور ایران از لحاظ قوای نظامی و مادی حریف روسیه نخواهد بود. او باور داشت: «بهتر است که ایران بهانه به دست خرس قوی هیکل روسیه ندهد و خود را در بین دو سنگ آسیای شمال و جنوب نیندازد، تا به‌صورت آرد از زیر این دو سنگ خارج نشویم و باید سیاست موازنه منفی اتخاذ نماییم.» (مکی، ۱۳۷۲: ۲۴)

از دیدگاه قایم مقام، بازسازی و تقویت قدرت نظامی و توان‌مندی‌های مادی امکان ایجاد موازنه بین دولت‌های قدرت‌مند را فراهم می‌کند. به‌عبارتی، اتخاذ راهبرد موازنه باعث ایجاد حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران می‌شود. سیاست خارجی قایم مقام ایجاد موازنه بین دو قدرت روس و انگلیس بود. از دیدگاه قایم مقام تنها راه رفع معضل امنیت و حفظ ایران در مقابل زیاده‌خواهی‌های این دو کشور سیاست موازنه بود.

۸.۴. دیپلماسی و شیوه مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات

طبق مولفه عقلانیت‌گرایی در رئالیسم تدافعی؛ کنش‌گران سیاسی تلاش می‌نمایند، تا با هزینه فایده کردن گزینه‌های مختلف، کم هزینه‌ترین و سودمندترین مسیر را برای دستیابی به اهداف مدنظرشان در نظر بگیرند. بنابراین، تلاش می‌نمایند، ضمن حفظ صلاح ملی و تمامیت ارضی، مشکلات و مسایل ایران را با قدرت‌های بزرگ، با ابزار دیپلماسی حل و فصل نمایند.

از خصوصیات قایم مقام، ایستادگی سرسختانه‌ی او در مقابل زیاده‌طلبی‌ها و سودجویی‌های بیگانگان بود. دفاع او از منافع و حقوق ملت ایران، چهره و سیمای مرد وطن دوستی او را نشان

می‌دهد، که در برابر زد و بندهای سیاسی همسایگان سخت ایستادگی می‌کرد. او در قضیه عهدنامه ترکمنچای در برابر مواضع روس‌ها که می‌گفتند: هر چه در تصرف داریم، از آن ماست ایستاد. در مذاکره با عثمانی، آن‌ها را به مناسبات دوستانه و برادری و اتحاد اسلامی در برابر روس و انگلیس فرا خواند و جنگ را آخرین چاره و آن هم از موضع دفاعی برگزید و در موقع عقد قرارداد صلح، با تدبیر و هوش‌مندی پایه و اساس صلح عادلانه را گذاشت.

از دیدگاه قایم مقام، پشتوانه‌ی اصلی دیپلماسی، قدرت و توان‌مندی نظامی است. او هنگامی که می‌خواهد نماینده‌ی خود را برای مذاکره با عثمانی بفرستد، توصیه‌های واقع‌گرایانه به او می‌کند. «قایم مقام به‌عنوان رجل سیاسی آگاه از مصالح و سردار جنگی که همه زوایای میدان را می‌شناسد، زبان مصالحه و برهان قاطع تیغ را در کنار هم می‌آورد و بیان او به‌گونه‌ای است، که صدای چکاچک تیغ‌های آبداده آخته را می‌توان از ضرب آهنگ واژه‌های شنید. قایم مقام می‌نویسد: ما اهل جنگ نیستیم و امید هست که به وضع خوب، بی‌جنگ و آشوب، مقاصد این دولت در آن دولت ساخته شود. دولت او علاقه‌ای ندارد که بار دیگر، تیغ جدال بین مسلمانان آخته گردد و بر آن است، که خواهش‌های این دولت همه امور جزئییه مسلمة است و شریعت ما سهله سمحه؛ اما بلافاصله، به وقایع نگار خاطرنشان می‌کند که این طور نیست، که ما علاقه‌ای به جنگ نداشته باشیم، بلکه ما از این‌رو، صلح می‌خواهیم که دشمن، به تایید شاه مردان، ضریبی خورده و حسابی برده است. صلح طلبی ما از جنگاوری است و برای تامین مصالح ملی و پشتوانه صلح طلبی ما نیز سپاه مستعدی است، که باید برود و قلاع مسترد شود. از دیدگاه قایم مقام، امکان صلح پایدار ناشی از شناخت او از دشمن و مرتبه خردمندی اوست که مردمانی سنگین و میتن‌اند.» (طباطبایی، پیشین: ۱۶۶)

از دیدگاه قایم مقام، استفاده از تدبیر و شیوه‌های مسالمت‌آمیز مطلوب‌ترین راه حل برای حل مسایل و چالش‌ها با کشورهای همسایه است. چنان‌که گفته شده است: «میرزا ابوالقاسم قایم مقام همواره مخالف جنگ ایران و عثمانی بود و قبل از شروع جنگ اهتمام فراوان در جلوگیری از آن داشت. چنان‌که در نامه‌ای به محمد رئوف پاشا، والی ارزنة الروم، متذکر شد که خودش و نائب السلطنه هیچ‌گونه علاقه‌ای به شروع جنگ نداشتند و آن را به نفع دو دولت اسلامی نمی‌شمردند. وی به همین منظور هرگونه تلاشی را ابراز می‌داشت، تا از شروع جنگ جلوگیری شود.» (نصیری، ۱۳۶۶: ۳۹)

نتیجه‌گیری

از دیدگاه واقع‌گرایان، دلیل رفتار بازیگران سیاسی تامین امنیت و قدرت، حفظ تمامیت ارضی و کسب منافع ملی است. آن‌ها امنیت و بقا را مولفه‌های اساسی در سیاست‌گذاری و جهت‌گیری سیاست خارجی قلمداد می‌کنند. بنابراین، نخبگانی که رگه‌های واقع‌گرایی در رفتار سیاسی آن‌ها وجود دارد، تلاش می‌کنند، با رعایت اصولی مثل خودیاری، محاسبه‌گرایی و تاکید بر واقعیت عینی و ملموس محیط سیاسی، به‌جای مباحث انتزاعی سیاست خارجی را در مسیر ثبات، امنیت و حفاظت از مرزهای کشور ساماندهی نمایند.

قایم مقام، وزیری ادیب، کاردان، توانمند و سیاست‌مدار بوده و با توجه به واقعیات عینی عرصه‌ی سیاست در جاهایی که نیاز است، برای تامین منافع و امنیت ملی به رفتاری مبتنی بر «مردی یا نامردی» یا «نام یا ننگ» مجوز داده است. شخصیت قایم مقام، ترکیبی از تجربه غنی سیاسی مجهز بودن به سلاح علم و تاکید بر واقعیات همراه با توکل به خدا باعث شده بود تصمیم و تدبیر او در عرصه‌ی سیاسی نمود می‌یافت. او با تاکید بر عقلانیت‌گرایی مبتنا یافته بر واقعیات‌های عینی و مادی قدرت نظامی و اقتصادی کشورها با شروع جنگ دوم روسیه و ایران مخالفت کرد. از دیدگاه وی جنگیدن با کشوری که قدرت و توان‌مندی‌هایش بیش‌تر است معقول نیست. بر همین اساس وقتی در دایره‌ی سیاست قرار می‌گیرد، براساس منافع ملی رفتار می‌نماید. بنابراین، می‌توان گزاره‌های سیاست خارجی میرزا ابوالقاسم را براساس رساله جهادیه و با تاکید بر موضوع جهاد برای حفظ بیضه اسلام، حفظ ثغور و دفاع از نفوس مسلمانان و عدم تسلط کافران بر مسلمانان استخراج کرد و مولفه‌هایی مثل عقلانیت‌گرایی و بازسازی و تقویت قدرت نظامی و استفاده از نیروی ایدئولوژی (حکم جهاد) را در دستگاه ولی عهد و تحت تعلیم پدرش (میرزا عیسی) فراگرفته بود. به همین دلیل بعد از مرگ پدر کارهای او را ادامه داد. بنابراین، می‌توان گفت: عناصری مثل استقلال و حفظ تمامیت ارضی، عقلانیت‌گرایی، صلاح ملی و موازنه بین قدرت‌های بزرگ اصول سیاست خارجی قایم مقام را تشکیل می‌دادند.

به‌طور خلاصه باید گفت: دوره زمام‌داری قایم مقام با سیاست تهاجمی و تجاوز طلبانه روسیه و عثمانی از یک‌سو و نفوذ انگلیس و فرانسه در دربار و جذب نخبگان فکری و اجرایی از سویی دیگر، مصادف بود. توطئه‌های، تهدیدات و تعرضات این دولت‌ها باعث شده که قایم مقام نتواند به افکار خود جامعه عمل بپوشاند.

منابع

الف. منابع فارسی

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، مقالات تاریخی، تهران، انتشارات دماوند، چاپ دوم.
۲. اعتمادالسلطنه محمدحسن خان (۱۳۴۹)، صدر التواریخ؛ شرح حال صدر اعظم‌های پادشاهان قاجار (از حاج ابراهیم کلانتر تا میرزا علی اصغر خان امین السلطان)، به اهتمام محمد مشیری، تهران، سازمان انتشارات وحید، چاپ اول.
۳. _____ (۱۳۴۶)، خلسه مشهور به خواب‌نامه یا بازخوانی یک پرده از اسرار انحطاط ایران، به کوشش محمود کتیرایی، تهران، کتاب‌خانه طهوری، چاپ‌خانه میهن، چاپ اول.
۴. بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۶۹)، سفرنامه بنجامین، ترجمه کرد بچه حسین، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ دوم.
۵. جیمز، بیلی فریز (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات توس، چاپ اول.
۶. حاتمی، حسین و آقاجری، سید هاشم (۱۳۹۳)، «کاوشی تاریخی در مفهوم و تطور معنایی بیضه اسلام»، فصل‌نامه تاریخ اسلام، سال ششم، ش ۲۱، تابستان، صص ۸۰ - ۶۱.
۷. حسینی جلالی، سیدمحمد جواد (۱۳۸۲)، «نسخه خطی رساله جهادیه»، مجله فقه اهل‌بیت، شماره ۳۴، صص ۱۹۱ - ۱۴۰.
۸. خاوری شیرازی، فضل‌الدین عبدالنبی (۱۳۸۰)، تاریخ ذالقرنین، به کوشش ناصر افشارفر، تهران، وزارت ارشاد و کتاب‌خانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
۹. دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، مآثر السلطنه، از روی نسخه موزه بریتانیا، به اهتمام فیروز منصوری، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۰. رضاقلی، علی (۱۳۶۶)، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی (قایم مقام/امیر کبیر/مصدق)، تهران، نشر نی.
۱۱. سپهر، (لسان‌الملک) محمد تقی بن محمد علی (۱۳۳۷)، ناسخ التواریخ، به اهتمام جهان‌گیر قایم مقامی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۱۲. صفایی، ابراهیم (۱۳۷۷)، قایم مقام نامه، به کوشش محمد رسول دریابگشت، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۱۳. طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۲)، تاملی درباره ایران، جلد دوم نظریه حکومت قانون در ایران و بخش نخست مکتب تبریز و مبانی تجدد خواهی، تهران، انتشارات مینوی خرد، چاپ دوم.
۱۴. عسکرانی، محمدرضا (۱۳۹۷)، «تحلیل مولفه‌های تاریخی آثار میرزا ابوالقاسم قایم مقام فراهانی»، پژوهش‌نامه تمدن ایرانی، سال اول، شماره دوم، (پیاپی ۲۶)، زمستان، صص ۱۳۹ - ۱۱۴.
۱۵. فرهاد میرزا، شاهزاده معتمدالدوله (بی‌تا)، منشآت قایم مقام، تهران، کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة طهران، چاپ اول.
۱۶. فلسفی، بهرام (۱۳۷۲)، قایم مقام در آینه زمان شرح زندگانی سیاسی، خصوص و ادبی میرزا ابوالقاسم فراهانی، تهران، انتشارات کتاب آذین، چاپ اول.
۱۷. قایم مقامی، باقر (۱۳۲۰)، قایم مقام در جهان ادب و سیاست، تهران، شرکت چاپ کتاب، چاپ اول.
۱۸. قایم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۲)، دیوان اشعار میرزا ابوالقاسم قایم مقام فراهانی، به انضمام مثنوی جلایر نامه، به اهتمام بدرالدین یغمایی، تهران، انتشارات شرق، چاپ دوم.
۱۹. قایم مقامی، جهان‌گیر (۱۳۵۹)، نامه‌های پراکنده قایم مقام فراهانی، بخش دوم (نامه‌های مربوط به ماموریت گریبایدوف در ایران و مسایل دیگر در روابط ایران و روسیه)، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
۲۰. _____ (۱۳۵۷)، نامه‌های پراکنده قایم مقام فراهانی، بخش یکم نامه‌های مربوط به جنگ‌های ایران و روسیه، به کوشش جهان‌گیر قایم مقامی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
۲۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، نظریه‌های روابط بین‌الملل؛ نظریه و رویکردها، تهران، انتشارات سمت.
۲۲. کاشف الغطاء نجفی، جعفر (۱۴۲۲ ق)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.

۲۳. کمبل، سرجان (۱۳۸۴)، دو سال آخر: یادداشت‌های روزانه سرجان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران سال‌های ۳۴ - ۱۸۳۳ (دو سال آخر سلطنت فتح‌علی شاه قاجار)، به‌کوشش ابراهیم تیموری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۴. کورف، بارون فیودور (۱۳۷۲)، سفرنامه بارون فیودور کورف، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران، نشر فکر روز، چاپ اول.
۲۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
۲۶. مکی، حسین (۱۳۷۲)، قایم مقام در آینه زمان شرح زندگانی سیاسی، خصوص و ادبی میرزا ابوالقاسم فراهانی، مقدمه کتاب به قلم حسین مکی، تهران، انتشارات کتاب آذین، چاپ اول.
۲۷. میرزا رضا، قلی (۱۳۴۶)، سفرنامه رضا قلی میرزا نوه فتح‌علی شاه، به‌کوشش اصغر فرمان‌فرمایی قاجار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. نادر میرزا، (۱۳۶۰)، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، با مقدمه محمد مشیری، تهران، انتشارات اقبال، چاپ سوم.
۲۹. نصیری، محمدرضا (۱۳۶۶)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، دوره قاجاریه، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول.
۳۰. یک‌رنگیان، میرحسن (۱۳۳۴)، سرنوشت ایران، زندگانی سیاسی و ادبی، صدراعظم شهید قایم مقام فراهانی، تهران، چاپ‌خانه علی اکبر اعلمی، چاپ اول.

ب. منابع انگلیسی

31. Glaser, Charles L.(2003). "Structural Realism in a more complex world", *Review of International Studies*, 2003. 29, 403-414, DOI: 10.1017/S0260210503004030 403.
32. Rose, G. (1998), "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy." *World Politics*, Vol. 51, No. 1, Oct., 1998.
33. Lobell, Steven E(2002), "War is politics: Offensive realism, domestic politics, and security strategies", *Security Studies*, No.12 Vol.2,2002

-
34. Mammadova Shabnam(2017), "Offensive vs Defensive Realism. Russia's foreign policy towards South Caucasus", Available,
 35. https://www.researchgate.net/publication/321018068_Offensive_vs_Defensive_Realism_Russia's_foreign_policy_towards_South_Caucasus.
 36. Taliaferro, Jeffrey W(2001), "Security Seeking under Anarchy, Defensive Realism Revisited", *International Security*, Vol. 25, No. 3 (Winter 2000/01), 2001.
 37. Waltz, K. N. (1979), *Theory of International Politics*, Mass: Addison-Wesley.